



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و

تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دری و پشتو) ارسال میگردد

۲۷/جمادی الثانیة/۱۴۴۴ هـ ق مطابق ۳۰/جدی/۱۴۰۱ هـ ش

بیان کردن پنج بنای اسلام

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمدا - صلى الله عليه وسلم عبده ورسوله؛ أما بعد.

دین مقدس اسلام بر پنج بنا استوار است که عبارت از کلمه طیبه، نماز، روزه، زکات و حج بیت الله شریف است. طوریکه در حدیث شریف از عبد الله ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ). صحیح البخاری ترجمه:- اسلام بر پنج اصل بنا شده است، گواهی دادن بر اینکه نیست دیگر معبودی به حق به جز الله و گواهی دادن بر اینکه محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده الله است، اقامه نماز، ادای زکات، حج بیت الله شریف و روزه گرفتن ماه مبارک رمضان است.

همچنان در حدیث مشهور جبرئیل پنج بنای اسلام به ترتیب ذکر شده است.

بنای اول:- کلمه توحید (لا إله إلا الله).

از جمله ارکان پنج گانه اسلام اولین رکن کلمه توحید است. آن کلمه ای که حق خالص الله تعالی بالای بندگان او است، کلمه ای که مسلمانان را از کافران جدا میسازد، آن کلمه ای که رکن مهم و اساسی دین، شرط و کلید داخل شدن به بهشت و سعادت است. از حدیث جبرئیل علیه السلام و حدیث ابن عمر رضی الله عنه معلوم میشود که کلمه توحید اولین و اساسی ترین رکن اسلام است که این را کلمه اخلاص و کلمه طیبه هم گفته میشود.

کلمه توحید از دو جمله ترکیب شده است که اولین جمله آن عبارت از (لا اله الا الله) که اقرار کردن به وحدانیت الله جل جلاله است.

قسمت دوم: (محمد رسول الله) است که اقرار به رسالت و نبوت رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

مفهوم (لا اله الا الله):

(لا اله الا الله) دو رکن اساسی دارد:

۱- (لا اله) هر نوع عبادت را از هر مخلوقی جز الله نفی میکند.

۲- (الا الله) تنها الله جل جلاله را مستحق و سزاوار تمام عبادت ها معرفی میکند، پس مفهوم (لا اله الا الله) این است: هیچ کسی و هیچ چیزی جز الله متعال سزاوار عبادت و پرستش نیست.

مفهوم (محمد رسول الله):-

جمله دوم کلمه توحید که بطور مختصر مطالب آتی را در بر دارد:

- ایمان داشتن به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به عنوان خاتم و آخرین پیامبران.
- باور داشتن بر اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده خداوند متعال بری تمام جهان و جهانیان است.
- اعتقاد بر اینکه دین و آئین پیامبر صلی الله علیه وسلم دین کامل و ضامن سعادت بشریت در دو جهان است.
- اطاعت و پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در حقیقت اطاعت از الله است، معصیت و نافرمانی او در حقیقت معصیت و نافرمانی پروردگار عالم محسوب میشود.
- راه نجات و سعادت را در دین و پیروی پیامبری صلی الله علیه وسلم پنداشته و او را از جان، مال، فرزند و از همه چیز محبوبتر بدانند.

فضیلت کلمه توحید:-

کلمه توحید آنقدر فضیلت دارد که قلم از نوشتن آن عاجز است.

الله تعالی به کلمه توحید گواهی داده است. {شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} آل عمران: ۱۸

ترجمه:- الله گواهی داده است در حالیکه او مواظب به انصاف است اینکه جز او معبود برحق نیست و فرشتگان و دانشمندان (صاحبان علم) نیز به این مسئله گواهی داده اند که جز او معبود برحق نیست او غالب و با حکمت است. موضوع دعوت تمام انبیاء و رسل توحید بوده. {وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ} الانبیاء: ۲۵ ترجمه:- ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر اینکه به سویش وحی کرده ایم که جز من هیچ معبودی نیست پس مرا عبادت کنید.

سفیان بن عیینه رحمه الله میفرماید: الله تعالی بر بندگان خود بجز از داناندن کلمه (لا اله الا الله) نعمت بزرگی راعطا نکرده. [شعب الایمان]

الله کلمه توحید را در قرآن کریم کلمه طیبه گفته است: {أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ}. ابراهیم: ۲۴

ترجمه:- آیا ندیدی که الله چگونه کلمه طیبه را به درخت پاکیزه ای تشبیه داده است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان هست.

شرطهای کلمه توحید:-

علماء برای کلمه توحید (لا اله الا الله) شرایط ذیل را ذکر کرده اند:

۱- فهمیدن معنای کلمه توحید:- یکی از شرایط کلمه توحید دانستن و علم حاصل کردن به معنی و مفهوم کلمه است؛ طوریکه

الله تعالی فرموده است: (فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ). محمد: ۱۹. ترجمه: (پس تویقین داشته باش که قطعاً جز الله جل جلاله معبود برحق نیست).

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (من مات و هو يعلم أنه لا اله الا الله دخل الجنة). صحیح مسلم ترجمه:-- کسیکه در حالی وفات نماید که بفهمد بر اینکه جز الله جل جلاله کسی دیگری لایق وسزاوار عبادت نیست) او وارد بهشت میشود.

۲- یقین؛ یقین داشتن به مفهوم کلمه توحید که هیچ نوع شکی در آن نباشد: به گویندگان کلمه توحید لازم است که برمدلول ومفهوم آن یقین کامل داشته باشند، اگر درمورد کلمه در قلب کسی شک وتردد موجود باشد تلفظ ویا خواندن کلمه برای آن کدام مفادی نمی رساند. الله تعالی میفرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا). الحجرات: ۱۵ ترجمه:-- مومنان واقعی تنها کسانی اند که به الله ورسولش ایمان آورده اند سپس شک را در خود راه ندادند.

۳- اخلاص :- اخلاص داشتن در گفتن کلمه طیبه: رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد میفرماید: (فان الله حرم على النار من قال لا اله الا الله يبتغي بذلك وجه الله) صحیح البخاری. ترجمه: (الله جل جلاله حرام گرانیده بر آتش جهنم کسی را که گفت: لا اله الا الله درحالیکه مقصد او از این فقط طلب رضای الله جل جلاله است).

۴- صداقت:-- در گفتن کلمه طیبه راستگو وصادق باشد:

گوینده کلمه طیبه اینطور صداقت داشته باشد که به هرگونه دروغ، چل و فریب هم تعلق نداشته باشد، که از اخلاص قلب گفته شود.

رسول کریم صلی الله علیه وسلم میفرماید: (ما من أحد يشهد أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله صادقاً من قلبه الا حرمه الله على النار) متفق علیه

ترجمه:-- هر کسیکه از قلب پاک و اخلاص به این کلمه گواهی بدهد که: (لا اله الا الله) و به بر اینکه محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده ای الله است، الله جل جلاله به او جهنم را حرام گردانیده است).

۵- محبت:-- محبت داشتن به الله جل جلاله ورسول الله صلی الله علیه وسلم:

اینطور محبت که از هر نوع دشمنی ومخالفت دست بردارد، تا که ارتباط بنده به توحیدالله تعالی قایم شود چنانچه الله تعالی میفرماید: (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ) البقرة: ۱۶۵.

ترجمه:-- و کسانی که ایمان آورده اند الله را بیشتر دوست میدارند.

۶- تسلیم شدن کامل به الله جل جلاله: تسلیم شدن در برابر احکام وفرامین الله جل جلاله، که در این باره میفرماید: (وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ) الزمر: ۵۴

ترجمه:-- به سوی پروردگارتان برگردید و برای او فرمانبردار شوید. یعنی از او پوره اطاعت نمائید.

۷- بجزالله جل جلاله از عبادت مخلوقات بیزاری کردن: کفر، انکار و بیزاری کردن از عبادت غیر الله به طور مثال: عبادت طواغیت، بتها واز تمام خواهشات نفسانی، خانواده و دیگر خواهشات غیر شرعی که تقاضای گروه ها وغیره باشد خود داری کردن.

الله تعالی میفرماید: (فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ). البقرة: (۲۵۶)

ترجمه:- کسیکه به طاعت کافر شود و به الله ایمان آورد پس یقیناً او به دست آویز محکمی چنگ زده است که آن را اصلاً گسستن نیست.

بنای دوم ، نماز :-

بنای دوم اسلام نماز است. نماز در اسلام مقام و مرتبه عالی دارد، نماز ستون و رکن اساسی دین است، نماز عملی هست که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر اداء کردن آن امر و نصیحت کرده است.

نماز آن عبادتی هست که در شب معراج در آسمانها فرض گردیده است و در دین از ارزش خاصی برخوردار است و از تمام عبادات بهترین عبادت و عمل شمرده میشود. نماز روشنائی هست که زندگی انسان را روشنائی میبخشد و باعث خلاصی انسان از دوزخ میگردد و به واسطه ای نماز ارتباط انسان با خدای خویش قایم میگردد، نماز معراج مومن است که بنده بواسطه آن همراهی الله مناجات میکند

و از الله جل جلاله در نماز بخشش میخواهد و در یک شبانه روز پنج بار تعهد خود را تجدید میکند.

نماز سبب بالا رفتن درجات و کفاره گناهان و سبب دخول بهشت است، رزق و روزی انسان توسط نماز زیاد میشود و انسان را از کارهای ناروا و بی حیائی منع میکند و انسان را پیوند اجتماعی میدهد.

نماز برای انسان آرامش روحی در وقت غم و مشکلات میبخشد، نماز تنها عملی هست که در روز آخرت و یا روز قیامت از همه اعمال، قبل از نماز پرسیده میشود در آن روزیکه مال، ثروت و اولاد به درد انسان نمی خورد مگر کسیکه به الله پیش شود به قلب سلیم.

از این جهت الله تعالی امر فرموده که از این عمل حفاظت کنید و خانواده خویش را بر آن امر کنید و با رعایت تمام ارکان او را اداء کنید.

خداوند متعال فرموده است: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ) {البقرة: ۴۳}

ترجمه:- و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید (با نمازگزاران نماز گزارید) .

فرموده است: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) {البقرة: ۲۳۸}

ترجمه:- بر نمازهای (پنجگانه) مواظبت کنید، به ویژه نماز میانه (نماز عصر) و فروتنانه در برابر خدا (به نماز) بایستید.

فرموده است: (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا) {النساء: ۱۰۳}

ترجمه:- یقیناً نماز بر مؤمنان، در اوقات معین فرض شده است.

فرموده است: (إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) {طه: ۱۴}

ترجمه:- یقیناً منم خدای یکتا، معبود (راستین)، جز من معبودی نیست، پس مرا پرستش کن و نماز را برای یاد کردن من برپا دار.

و فرموده است: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ) {هود: ۱۱۴}

ترجمه:- و نماز را برپا دار در دوطرف روز و در ساعاتی از شب، یقیناً خوبیهها بدیهها را از میان می برد، این پندی است برای پند پذیران.

وعن ابن عمر رضي الله عنهما، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ». متفق عليه

ترجمه:- ابن عمر رضي الله عنهما گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: اسلام بر اساس پنج چیز بنا شده است: گواهی دادن بر اینکه هیچ معبود بر حق جز الله نیست و محمد رسول فرستاده اوست و برپا نمودن نماز و دادن زکات و حج بیت الله و روزه گرفتن ماه رمضان .

عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «خَمْسٌ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ تَعَالَى، مِنْ أَحْسَنَ وَضُوءَهُنَّ وَصَلَاهُنَّ لَوْ قَتِهِنَّ، وَأَتَمَّ رُكُوعَهُنَّ وَخُشُوعَهُنَّ، كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ، فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدٌ، إِنْ شَاءَ غَفَرَهُ، وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ» ابو داود.

ترجمه:- عباده بن صامت رضي الله عنه گفت: شنیدم رسول خدا صلى الله عليه وسلم را که می گفت: خداوند متعال پنج وقت نماز را فرض ساخته است، کسی که وضوی نمازها را بهتر سازد، آنها را در اوقات معینه اش ادا نماید، رکوع و خشوع را به وجه اکمل انجام دهد، آن شخص بر خداوند عهدی دارد که او را ببخشد.

اگر کسی چنین نکند، در پیشگاه خداوند هیچگونه عهدی جهت آمرزشش نیست، اگر خداوند خواست او را بیمارزد و اگرخواست عذابش کند .

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَةٍ شَيْئًا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: انظُرُوا هَلْ لِعَبْدِيٍّ مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكْمَلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ، ثُمَّ يَكُونُ سَائِرَ عَمَلِهِ عَلَى ذَلِكَ» الترمذی.

ترجمه:- ابوهریره رضي الله عنه گفت: پیامبر علیه السلام فرمود: بدون شک اولین عمل بنده که در روز قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد، نماز اوست. اگر نمازش درست بود یقیناً کامیاب و رستگار شد و اگر فاسد و نادرست بود، یقیناً هلاک و زیانکار گردید. و اگر از فریضه اش چیزی کم شد پروردگار عزوجل میگوید: ببینید آیا بنده ام از نمازهای نافله چیزی دارد تا کاستی های فریضه اش را کامل سازد، سپس بقیه اعمالش همین گونه محاسبه می گردد .

عن عثمان بن عفان رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ تَحَضَّرَهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ، فَيُحْسِنُ وَضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَأْتِ كَبِيرَةً، وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ» مسلم.

ترجمه:- عثمان بن عفان رضي الله عنه گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: هیچ فرد مسلمانی نیست که در نمازهای فرضش حاضر شود، و بعد برای ادایش وضو، خشوع و رکوع خود را بهتر سازد، مگر آنکه این نماز کفار گناهانی گردد که قبلاً انجام داده است ولی مرتکب گناهی کبیره نشده باشد. و این خیر و فضیلت در سراسر عمرش ادامه دارد .

عن أنس بن مالك رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «وَجَعَلْتُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» النسائي.

ترجمه:- انس بن مالک رضي الله عنه گفت: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: روشني چشمم در نماز است.

بنای سوم ، روزه:- روزه از جمله پنج ارکان اسلام، سوم رکن اسلام و رکن مهم دين است. الله تعالى فرموده است: {يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ} البقرة: ۱۸۳

ترجمه:- ای مومنان روزه گرفتن بر شما فرض شده است چنانچه بر آنانیکه پیش از شما بوده اند فرض شده بود تا پرهیزگار شوید.

فضیلت روزه:-

در حدیث شریف آمده است که روزه گناهان را محو میسازد. (من صام رمضان إيماناً واحتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه) متفق علیه.

ترجمه:- کسیکه روزه ماه رمضان را به اساس ایمان و طلب ثواب بگیرد بخشیده میشود از برای او گناهانیکه قبلاً کرده است.

در یک حدیث دیگری آمده است: يضاعف الحسنه عشر أمثالها إلى سبعمائة ضعف، قال الله عز وجل: إلا الصوم، فإنه لي وأنا أجزي به، يدع شهوته وطعامه من أجلي). صحيح البخاري

ترجمه:- زیاد میشود اجر و ثواب نیکی از ده چند الی هفتصد چند، الله تعالى میفرماید: بغیر از روزه چرا که روزه از برای من

است و من اجر و پاداش او را میدهم . روزه دار خواهشات ، خورد و نوش خود را بخاطر رضای من ترک میکند.

دعای روزه دار مستجاب است. پیغمبر علیه السلام فرموده است: (للصائم عند فطره دعوة لا ترد). رواه ابن ماجه.

ترجمه:- دعای روزه دار در وقت افطار مسترد نمیشود.

از برای روزه دار در جنت دروازه مخصوص است که بغیر از آن کسی دیگر داخل نمی شود: عن سهل بن سعد رضي الله عنه

قال ، قال: رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إن في الجنة باباً يقال له "الريان" فإذا كان يوم القيامة قيل: أين الصائمون، فإذا دخلوا أغلق عليهم فلم يدخل منه أحد). متفق عليه.

ترجمه:- بدون شک در جنت دروازه ای است بنام (ریان) گفته میشود یعنی (سیراب کننده). هنگامیکه روز قیامت بر پا شود

گفته میشود کجا هستند روزه داران وقتیکه روزه داران در آن داخل شوند آن دروازه بند میشود. و کسی دیگر از این دروازه داخل نمیشود.

روزه برای روزه دار شفاعت میکند. در حدیث شریف آمده است: (الصيام والقرآن يشفعان للعبد يوم القيامة) رواه أحمد

ترجمه:- روزه و قرآن کریم هر دو بنده را در روز قیامت شفاعت میکنند.

فوائد روزه و حکمت های آن:

قبل از همه انسان باید این سخن را به ذهن خود جای گزین کند که روزه حکم الله تعالى است والله تعالى ذات حکیم ودانا است:

(فعل الحكيم لا يخلو عن الحكمة « کار حکیم از حکمت خالی نمیباشد برابر است که در ذهن و دماغ ما بیاید یا نیاید. روزه

حکم الله جل جلاله است، روزه یک سلسله حکمتهای دارد که بعضی آنها قرار ذیل است:

حکمت اول :- روزه برای صحت بدن حیثیت درجه اکسیر را دارد، چرا که اکثر امراض در بدن انسان از پر خوری خوراک غیر منظم به میان می آید.

حکمت دوم:- جذبه همدردی را در ذهن و دماغ مال داران میدهد. به مال داران یاد میدهد که شما را تشنگی و گرسنگی در یک ماه به تکلیف کرده است، ولی غریب در دوازده ماه سال به تکلیف گرسنگی و تشنگی مبتلاء اند. بناً احساس همدردی را با غربا داشته باشید و فکر همدردی را با غربا در ذهن خود بگردانید و برای امداد غربا کمر بسته کنید .

حکمت سوم :- روزه نمونه مساوات و برابری اسلامی است که همه مالداران، مساکین، امراء و فقراء را، یکسان از خوردن و نوشیدن منع میکند.

حکمت چهارم:- از برای کنترل و وقایه خواهشات نفسانی، شهوات جسمانی روزه بهترین عمل است.

حکمت پنجم:- خود را به سختی ها عادت دادن، بهترین راه آن روزه گرفتن است، بناً هر مسلمانی که به روزه گرفتن عادت داشته باشد در تحمل هر مشکل و سختی بسیار چابک و قوی میباشد، بخصوص در میدان جهاد که به روزها روزها برای مجاهد خوراک میسر نمی شود. در آنجا فایده روزه برای انسان معلوم میشود، چرا که این امت بسیار امت زحمت کش است، پس برای این امت ضروری است که خود را به روزه عادت بدهند چرا که نام پیامبر ما در کتاب های آسمانی گذشته " نبی السیف " آمده است، یعنی پیامبر شمشیر دار و نیز " نبی الملحمه " آمده است، یعنی پیامبر سخت جنگ کننده که تمام زندگی مدنی خود را در راه جهاد سپری کرد، و در طول زندگی خود در (۲۷) غزوات اشتراک کرده است، ما که امت او هستیم باید خود را به سختی ها تربیت نماییم.

بنای چهارم ، زکات :- زکات یک رکنی از ارکان دین است یک فریضه از فرائض اسلام است. الله تعالی در قرآن کریم در (۸۲) آیت در سوره های مختلف زکات را پیوست با نماز یکجا ذکر کرده است، زکات بخاطر پاکیزگی و پاکی مال و سبب زیادت در مال شمرده شده است، کسیکه زکات مال خود را اداء کند در حقیقت الله تعالی آفت و بلا را از مال او دور میکند و کسیکه زکات مال خود را به طیب خاطر اداء کند لذت ایمان رامیچشد، اداء کردن زکات روابط اجتماعی را برقرار میکند، شفقت و همدردی را در بین افراد جامعه به میان می آورد.

فلسفه زکات :-

در بین عاشقان مجازی در دنیا این دستور و رواج است، و قتی که محبوب به اثر تعریف زبانی بدست نیاید و از طریق تعظیم هم کامیاب نشود، باز بخاطر بدست آوردن محبوب مال مصرف میکند چنانچه در این راه هیچ کس بخل نمی کند و لو که بسیار بخیل انسان هم باشد در این راه بسیار مال مصرف میکند.

شریعت مطهره الله تعالی که محبوب حقیقی همه مسلمانان است، برای رضایت، قربت و نزدیکی در این مرحله نظام زکات را رایج کرده که هر صاحب نصاب از مال خود یک حصه مخصوص را جدا کند و به غرباء برساند، که محبوب حقیقی از او راضی و خوشحال شود، زیرا ظاهراً به تعریف زبانی و در راه تعظیم مطلوب او تا حال پوره حاصل نشده و به دادن زکات در قلب او همدردی و محبت مخلوق الله تعالی پیدا میشود و الله تعالی قرب و وصال خود را نصیب کسی میسازد و همچنان محبت با کسی میکند که با مخلوق او محبت داشته باشد، طوریکه پیامبر علیه السلام میفرماید: الخلق عیال الله، فأحبهم إلى الله أنفعهم لعیاله). مسند ابویعلی، مسند البزار

ترجمه:- مخلوقات عیال(محتاج) الله تعالى هستند، پس محبوبترین آنها به نزد الله تعالى کسی است که به فقراء الله تعالى نفع برساند.

وبه واسطه پرداخت زکات الله تعالى ما را در دنیا و آخرت از نارضایتی و غضب خود محفوظ میدارد طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِئَ غَضَبَ الرَّبِّ وَتُدْفِعَ مِيتَةَ السُّوءِ). سنن الترمذی

ترجمه:- صدقه دادن نفلی باشد و یا فرضی غضب و خشم الله تعالى را از انسان دور و به واسطه صدقه الله تعالى انسان را از مرگ بد نجات میدهد.

حکم زکات و وعده و وعید بر نپرداختن مال زکات:-

دادن زکات بر کسی فرض است که صاحب نصاب باشد و یک سال برمال او سپری شود و کسیکه از حکم زکات منکر شود کافر است، کسیکه زکات را از روی بخل و سستی نمیپردازد مرتکب گناه کبیره و فاسق است.

الله تعالى میفرماید: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ). البقرة : ۴۳

ترجمه:- و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید (با نمازگزاران نماز گزاید).

و فرموده است: (وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْتُمْ تَكْتُمُونَ) التوبة : ۳۴- ۳۵

ترجمه:- و کسانی که طلا و نقره می اندوزند و آنرا در راه خدا انفاق نمی کنند پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده . روزی که آن (طلا و نقره) را در آتش دوزخ بتابند و با آن پیشانیها و پهلوها و پشتهای آنان را داغ نهند (وگویند) : این است آنچه برای خویشتن اندوختید پس (سزای) آنچه را که می اندوختید، بچشید .

و عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : (مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُوَدِّ زَكَاتَهُ مُثَلَّ لَهُ مَالُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَجَاعًا أَقْرَعًا، لَهُ زَبَيْتَانِ، يَطْوِقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ يَأْخُذُ بِلَهْزِمَتَيْهِ- يعني بشدقيه - ثُمَّ يَقُولُ : أَنَا مَالِكٌ، أَنَا كَنْزُكَ، ثُمَّ تَلَا: (وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...)). رواه البخاري

ترجمه:- ابوهریره رضي الله عنه گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : کسی که خداوند جل جلاله برایش مال زیادی داده باشد و (او) زکات مالش را ندهد، این مالش در روز قیامت به صورت مار سرکل (ماری که موی برسر ندارد و این نشانه زهر داری و کهن سالی آن است) درآید، این مار را دو دندان باشد، او در روز قیامت برگردن او می پیچد دو طرف چهره اش یعنی (گونه هایش) را گرفته میکوبد: منم مال تو و منم کنز تو. و این آیه مبارکه را تلاوت نمود : (وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) و گمان نکنند کسانی که بخل می ورزند به آنچه که خدای متعال از فضل خویش به ایشان داده است.

و عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : «مَنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا ؛ إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ، فَأَحْمِي عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيَكْوَى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ ؛ كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ الْعِبَادِ؛ فَيَرَى سَبِيلَهُ : إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ » « رواه مسلم »

ترجمه:- ابوهریره رضي الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر صاحب طلا و نقره که حق (زکاتش) را تأدیه نمی کند، در روز قیامت برایش تخته هایی از آتش ساخته شده و در آتش جهنم داغ گردیده پهلو و پیشانی و پشتش بدان

داغ کرده می شود و چون سرد شود دوباره داغ کرده می شود در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است تا در میان بندگان فیصله صورت گیرد و او راهش را به سوی بهشت یا دوزخ ببیند .

مستحقین زکات :-

در شریعت اسلام مستحقین زکات مشخص اند و به غیر از آنها دادن زکات به کسی دیگری درست نیست اگر کسی مال زکات را به شخص غیر مستحق بدهد زکات او اداء نمی شود، مستحقین زکات در آیت ذیل ذکر شده اند:

(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّغَةَ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) التوبة : ۶۰

ترجمه :- همانا صدقه ها (زکات) برای نیازمندان و درماندگان و کارکنان بران (گرد آوری) و کسانی که دل شان به دست آورده می شود و در راه آزادی بردگان و قرضداران و در راه خدا (جهاد) و مسافر است، فریضه ای است از خدا و خداوند دانای فرزانه است .
و عن عبدالله بن عمرو رضي الله عنهما، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: (لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِغَنِيِّ، وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ). ابوداود والترمذي

ترجمه :- عبدالله بن عمرو رضي الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : دادن زکات برای غنی و برای شخص تندرست و سالم حلال نیست.

در یک حدیث دیگری آمده است: وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: (لَيْسَ الْمِسْكِينُ الَّذِي تَرُدُّهُ الْأَكْلَةَ وَالْأَكْلَتَانِ، وَلَكِنَّ الْمِسْكِينُ الَّذِي لَيْسَ لَهُ غَنِيٌّ، وَيَسْتَحْيِي أَوْ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ إِحْفَافًا). صحيح البخاري
ترجمه :- ابوهریره رضي الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : مسکین کسی نیست که بخاطر یک لقمه و دولقمه در پی دروازه های مردم میگردد ، بلکه مسکین کسی است که نیازمند است و حیاء می نماید و یا از مردم به الحاح سوال نمی کند.

دادن مال زکات به اولاده پیامبر علیه السلام و سادات جواز ندارد. وعن عبدالمطلب بن ربيعة بن الحارث رضي الله عنه، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم (إِنَّ هَذِهِ الصَّدَقَاتِ إِنَّمَا هِيَ أَوْسَاخُ النَّاسِ، وَإِنَّهَا لَا تَحِلُّ لِمُحَمَّدٍ وَلَا لِأَلِ مُحَمَّدٍ). صحيح مسلم
ترجمه :- عبدالمطلب بن ربيعة بن حارث رضي الله عنه گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : این صدقه ها یقیناً از چرک مال مردم است و این ها برای محمد صلی الله علیه وسلم و آل محمد حلال نیست .
خلص مطلب :-

آیات و احادیث بیانگر آن است که : مصارف زکات در اصناف ذیل منحصر است و پرداخت زکات به وجوهات دیگر درست نیست
وَأَنَّ عِبَارَتِ اسْتِ از :

۱- فقراء :- جمع فقیر، کسی که ثروت و مال داشته باشد ولی به حد نصاب نرسد.

۲- مساکین :- جمع مسکین، کسی است که هیچ مال نداشته و حال او از فقیر هم بدتر باشد.

۳- العاملون علیها :- یعنی کسانی که مؤظف جمع آوری زکات و حساب و کتاب آن و رساندن آن به مستحق زکات مقرر هستند.

۴- فی الرقاب :- عبارت از بردگان مکاتب اند که از پرداخت بدل کتابت برای بادر خود عاجز اند .

۵- الغارمون :- جمع غارم یعنی قرض دار است که از اندازه قرض زیاد مال نداشته باشد که به حد نصاب برسد.

۶- در راه خدا جهاد میکنند:

۷- ابن السبیل: عبارت از مسافری است که اندوخته های سفرش در اثنای سفر تمام شده است، برای این گونه مردم همان مقدار زکات داده می شود که حاجت او پوره شود و او را به خانه اش برساند هرچند که غنی و ثروتمند هم باشد در وطن خود. اکنون شب و روز زمستان سخت است کسانی که غنی هستند برای آنها لازم است که همراهی ناتوان ها، مساکین و فقراء دست همکاری بدهند و به آنها مال زکات خویش را بپردازند، از یک طرف زکات از ذمه آنها خلاص شده و از طرف دیگر دستگیری مستحقین میشود. اگر افراد غنی مال زکات خود را برای مستحقین بدهد باور ما این است که از جامعه ما سطح فقر و بیچارگی پائین می آید.

بعضی مردمیکه صاحب نصاب باشند و زکات بالایشان فرض باشد بخاطر فقراء و مساکین قبل از وقت میتوانند زکات خود را بدهند.

بنای پنجم ، حج :- حج از جمله بناهای اسلام پنجم بنا هست و یک رکنی بزرگی از ارکان دین هست.

الله تعالی بالای مسلمان غنی در طول عمر حج را یک بار فرض کرده است و حج را از بسیار بهترین اعمال شمرده است.

حج مقبول آن است که شبهه گناه در آن یکجا نشده باشد اینطور حج بدله آن جنت است.

خوشحالی باد به حال حجاجی که گناهان شان بخشیده و مهمانان الله تعالی اند. الله تعالی آنها را دعوت کرده و آنها پذیرفته اند، اینها از الله تعالی دعا خواستند و الله تعالی خواست آنها را پوره کرد.

خداوند متعال فرموده است: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) {آل عمران: ۹۷}

ترجمه:- و برای خدا، حج آن خانه برعهده مردم است (البته بر) کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هرکه کفر ورزد ، پس (بدانکه) خدا از جهانیان بی نیاز است .

و فرموده است: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ، لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ) الحج : ۲۷ - ۲۹

ترجمه:- و در میان مردم اعلان کن که برای ادای (فریضه) حج پیاده و سوار بر هر شتر لاغری که راه های دور و درازی را می پیمایند بیایند . تا به منافع (دنیوی و دینی) شان حاضر شوند و نام الله را در روزهای معینی بر آنچه که الله از چهارپایان به ایشان داده است ببرند پس (از ذبح این حیوانات) شما خودتان از آن بخورید و نیاز مند بینوارا بخورانید .

و عن عبدالله بن مسعود رضي الله عنه، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : (تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةَ) . رواه الترمذي والنسائي

ترجمه:- عبدالله بن مسعود رضي الله عنه گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: حج و عمره را پیهم ادا کنید، زیرا این دو فقر و گناهان را چنان دور کند که کوره آهنگران چرک آهن و طلا و نقره را دور کند، و حج مبرور ثوابی جز بهشت ندارد.

و عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال النبي صلى الله عليه وسلم : (مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ ؛ رَجَعَ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ) . متفق عليه

ترجمه:- ابوهریره رضي الله عنه گفت : پیامبر صلي الله عليه وسلم فرمود: کسی که به این خانه (خدا) حج نماید و سخن فحش نگوید و فسق نرزد ، مانند روزی که مادرش او را زاده است به خانه برگردد .

و عن جابر، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : (الْحُجَّاجُ وَالْعَمَّارُ وَفَدَا لِلَّهِ ؛ دَعَاهُمْ فَأَجَابُوهُ ، وَسَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ) . رواه البزار
ترجمه: جابر رضي الله عنه گفت : پیامبر صلي الله عليه وسلم فرمود: حج کننده ها و عمره کننده ها مهمانان خدا اند، خدای متعال آنها را دعوت نمود اجابت کردند و از او سوال کردند خدای متعال برای شان عطا کرد .